

نامه‌های ابوالقاسم لاهوتی و صدرالدین عینی

به کوشش
محسن فرح‌بر

www.ketab.ir

سرشناسه	: فرحب، محسن، ۱۳۶۳ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: نامه‌های ابوالقاسم لاهوتی و صدرالدین عینی به کوشش محسن فرحب
مشخصات نشر	: تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۳۹۲ ص: مصور، عکس، نمونه: ۵/۲۱x۵/۱۴ س.م.
فروست	: قفقاز و آسیای میانه: ۲۵.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۴۶-۴۶-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: لاهوتی، ابوالقاسم، ۱۲۶۶ - ۱۳۳۶. -- نقد و تفسیر
موضوع	: لاهوتی، ابوالقاسم، ۱۲۶۶-۱۳۳۶. -- نامه‌ها
موضوع	: عینی، صدرالدین، ۱۸۷۸ - ۱۹۵۴ م. -- نقد و تفسیر
موضوع	: Aini, Sadriddin - Criticism and Interpretation
موضوع	: عینی، صدرالدین، ۱۸۷۸-۱۹۵۴ م. -- نامه‌ها
موضوع	: Aini, Sadriddin - Letters
موضوع	: نامه‌های فارسی -- قرن ۱۴
	: Persian letters -- 20th century
	: نامه‌های تاجیکی -- قرن ۲۰
	: Tajik letters -- 20th century
رده بندی کنگره	: PIR ۱۹۹
رده بندی دیویی	: ۲۹۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۰۶۷۱۷

www.ketab.ir



نامه‌های ابوالقاسم لاهوتی

و صدرالدین عینی

به کوشش: محسن فرحب

انتشارات: شیرازه کتاب ما

چاپ: پردیس دانش

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

چاپ اول: تیر ۱۴۰۳

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.com

فهرست مطالب

۷	یادداشت دبیر مجموعه
۹	مقدمه
	بخش اول دوستی دو استاد
۱۹	دوستی دو استاد (سیسیلیا بانو لاهوتی)
۲۳	مهمانی عمک لاهوتی (کمال عینی)
	مکاتبة ادیبان و مسئله‌های ادب و فرهنگ نو فارسی - تاجیکی (دکتر عبدالخالق نبوی)
۴۱	دوستی بی نظیر دو استاد زبردست؛ استاد عینی، نمونه ادبیات تاجیک و ابوالقاسم لاهوتی (دکتر عبدالنبی ستارزاده)
۴۹	قرآن سعدین (دکتر رستم وهاب‌زاده)
۵۵	مصاحبه با کمال عینی درباره نجات‌دهنده پدرش، صدرالدین عینی
۶۳	یک دوستی پایدار و نجات‌بخش (مسعود عرفانیان)
۷۷	خجند در آینه تخیل صدرالدین عینی و ابوالقاسم لاهوتی (دکتر مطلوبه میرزایونس)
۸۵	

بخش دوم: نامه‌ها

فهرست نامه‌ها	۹۹
نامه‌ها	۱۰۳

بخش سوم: پیوست‌ها

گاه‌شمار زندگی ابوالقاسم لاهوتی	۲۶۵
گاه‌شمار زندگی صدرالدین عینی	۲۷۹
چهره‌ها	۲۸۵
واژگان دشوار	۲۹۷
کتابنامه	۳۱۵
تصاویر	۳۱۹
نمایه‌ها	۳۷۷

یادداشت دبیر مجموعه

در نامه‌های رد و بدل شده میان ابوالقاسم لاهوتی، شاعر معروف ایرانی که در پی یک شورش نافرجام سیاسی در زمستان ۱۳۰۰ شمسی به اتحاد شوروی گریخت و صدرالدین عینی دبیر نامبردار تاجیک در سال‌های بین دو جنگ جهانی نکات و مضامین بسیاری نهفته است. او علائق ادبی و همکاری‌های‌شان در این حوزه گرفته تا دوستی‌ها و رفت‌وآمدهای بی‌انگاری که هریک در جای خود و در کمک به ترسیم تصویری از زندگی و زمانه آن دو نویسنده کارساز هستند. ولی این نامه‌ها از یک موضوع مهم دیگر نیز شمایی به دست می‌دهد که در باب کلیات آن در چارچوب تحولات منجر به شکل‌گیری جمهوری شوروی تاجیکستان در سال‌های نخست دهه ۱۹۲۰م/۱۳۰۰ش پژوهش‌هایی صورت گرفته است اما هنوز بسیاری از جزئیات و دقایق آن ناشناخته هستند. سخن از رشته تلاش‌هایی است که در یک دوره آشفته از تاریخ منطقه - دستخوش تحولات حاصل از همسویی دو گرایش نیرومند روس‌گرا و پان‌ترک - برای حفظ یک حداقل برجای‌مانده از جهان ایرانی صورت گرفت.

همانگونه که در قسمت‌هایی از بخش اول این مجموعه - «دوستی دو استاد» - نیز بر آن تأکید شده است، صدرالدین عینی و ابوالقاسم لاهوتی از چهره‌های پابرجای این کارزار بودند و در این نامه‌ها نیز به‌رغم آنکه به دلیل ترس و وحشت در مضامینی از این دست جز به تلمیح و اشاره نمی‌شد سخن گفت اما همان اشارات گذرا نیز به اندازه کافی گویا هستند و از ویژگی‌های آن عصر و مخاطراتی

که این بزرگان در پیشبرد آمال و آرزوهای‌شان با آنها روبرو بودند، شمه‌ای به‌دست می‌دهند.

البته ملاحظات آن دو فقط به مخاطراتی که از بیرون دنیای آنها را تهدید می‌کرد محدود و منحصر نبود، دیده می‌شود که گاه از نوعی کوتاهی و بی‌اعتنایی که شاید آن را بتوان عوارض دارایی بسیار و استغناء نیز دانست یاد می‌کنند؛ برای مثال صدرالدین عینی در یکی از نامه‌هایش با اشاره به «بزرگداشت رفیقان ترکمن برای کمینه که شاعر خلق ترکمن بوده است» از همت این رفقا می‌نویسد که با آنکه تا پیش از انقلاب اکثراً کوچرو بودند- «حیاتِ کوچمن‌چیگی می‌گذرانیدند. از تریهٔ پَرتیهٔ لنین- ستالین چنان فایده بردند که نام خود را به قطار ملت‌های متمدن درآورده توانستند. اما تاجیکان که مدنیت چندین هزارساله و ادبیات هزارسالهٔ زنده دارند، بسیار سُست و عُجبنند.» این موضوعی نیست که فقط به تاجیک‌ها محدود و منحصر باشد اصولاً کل جهان ایرانی نسبت به داده‌های خود کم‌توجهی می‌کند و راه را بر درازدستی این و آن باز می‌گذارد.

آنچه در این مجموعه به همت جناب آقای محسن فرح‌بر فراهم آمده است، اعم از یادداشت‌های تنی چند از صاحب‌نظران در توصیف و تفسیر ابوالقاسم لاهوتی و صدرالدین عینی و اهمیت کارها و آثارشان و همچنین مکاتبات آن دو، در نوع خود برای آشنایی با تاریخ معاصر این بخش کمتر شناخته‌شده از جهان ایرانی و سرگذشت زبان فارسی اسناد و گزارش‌های ارزشمندی هستند.

کاوه بیات

مقدمه

نخستین آشنایی من با نام ابوالقاسم لاهوتی به شعر:

«تنیده یاد تو در تار و پودم، میهن ای میهن

بود لبریز از عشقت وجودم، میهن ای میهن

تو بودم کردی از نابودی و با هم پروردی

فدای نام تو بود و نبودم، میهن ای میهن»

که توسط برخی از نغمه‌سرایان برجسته ایرانی خوانده می‌شد، برمی‌گردد. دومین آشنایی من با ابوالقاسم لاهوتی به دوران دانشجویی در شهر کرمانشاه دانشجوی کارشناسی رشته علوم سیاسی بودم. مدتی در خانه‌ای در محله قدیمی «برزه دماغ» اقامت داشتم و متوجه شدم که این محله زادگاه شاعر نامدار و ادیب توانای ایران‌زمین، ابوالقاسم لاهوتی است. به کتابخانه دانشگاه مراجعه و دیوان ابوالقاسم لاهوتی را که توسط احمد بشیری در سال ۱۳۵۸ خورشیدی چاپ شده بود، امانت گرفته و به مطالعه شرح حال و شعرهای او پرداختم.

سال‌ها سپری شد تا اینکه در سال ۱۳۸۷ خورشیدی برای نخستین بار به تاجیکستان و ازبکستان سفر کردم و دریافتم که لاهوتی چهره‌ای بسیار شناخته شده و محبوب نزد تاجیکان و مردمان آسیای مرکزی است. تاجیکان او را به سبب خدمات فراوان وی برای گسترش علم و معارف و ادبیات و خدمات وی برای تحکیم دولت‌سازی تاجیکستان، مورد ارج و ستایش فراوان قرار می‌دهند. هر کس که به تاجیکستان می‌رود و در آن فضا قرار می‌گیرد از ابوالقاسم

لاهووتی بسیار می‌شنود؛ انجمن‌های علمی و فرهنگی که جای خود دارد، در کوچه، بازار، خیابان، شهر و روستا هم نام لاهوتی می‌درخشد و به گوش می‌رسد. او محبوب قلب‌های تاجیک است. نخستین تئاتر تاجیکستان که در اصلی‌ترین خیابان و بهترین جای شهر دوشنبه قرار دارد، به نام لاهوتی است؛ ناحیه‌ای در استان ختلان، ناحیه لاهوتی نام دارد؛ خیابانی در پایتخت تاجیکستان به نام لاهوتی است؛ بزرگ‌ترین کتابخانه شهری در تاجیکستان به نام لاهوتی نام‌گذاری شده است؛ به اصحاب رسانه‌ای که دارای فعالیت‌های ارزنده در حوزه مطبوعات باشند، نشان مدال لاهوتی می‌دهند؛ خانه محل سکونت لاهوتی در شهر دوشنبه امروز به موزه تبدیل شده و به نام خانه‌موزه لاهوتی مشهور است.

نگارنده در سفرهایی که طی سال‌های اخیر به تاجیکستان و ازبکستان داشته، به ویژه در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۱ خورشیدی که در سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان به عنوان کارکن فرهنگی مشغول به کار بودم، در ملاقات‌های خود با پژوهشگران و ادیبان تاجیک، با روشنی اهمیت و احترام به نام و یاد لاهوتی را در میان آن عزیزان دریافتم. نه تنها در شهرهای بزرگ تاجیکستان، بلکه در مکان‌های بسیار دور از مرکز، از روستاهای در دل کوهستان پنجکنت و خجند و استروشن و شهر پنج‌رود، آرامگاه رودکی پدر زبان پارسی گرفته تا روستاهای بدخشان کوهستانی، از روستاهای کولاب و باختر گرفته تا کانی‌بادام و اسفره و واروخ، لاهوتی دارای محبوبیت چشمگیر است و حتی او را تاجیک می‌دانند و البته درست هم همین است؛ چرا که ایرانیان در هر جایی باشند همه در درون یک قلمروی فرهنگ و تمدنی مشترک زندگی می‌کنند و داستان لاهوتی در تاجیکستان، در حقیقت واقعیت‌های فرهنگی حوزه تمدنی ایران را نشان می‌دهد و لاهوتی نیز هرگز خود را از مردمان آسیای مرکزی و تاجیکان بیگانه نمی‌دانست و برای رشد مدنیت باشندگان منطقه تلاش‌های فراوانی نمود و رمز محبوبیت لاهوتی در منطقه نیز در این مهم نهفته است.

استاد محمدجان شکوری بخارایی، دانشمند نامور تاجیک در مورد محبوبیت لاهوتی می‌نویسد: «از اوایل دهه سی ام تا اواخر دهه شصتم (سده ۲۰ میلادی)، در تاجیکستان فقط سه نفر را با عنوان «استاد» نام می‌بردند که یکی استاد رودکی و

دیگری استاد عینی و سومی استاد لاهوتی بود. این عالی‌ترین درجه بزرگداشت در دوران تشکل خودشناسی تاریخی و خودآگاهی ملی تاجیکان ورارود است. رودکی چون بنیانگذار ادبیات جهان شمول فارسی از عهد آل سامان سزوار این عنوان شده بود، از هم‌زمانان صدرالدین عینی با آن دانش بی‌حد و جانبازی‌هایی که در راه ملت کرد و ابوالقاسم لاهوتی به سبب محبوبیت همگانی که داشت و شعرش را در دوردست‌ترین گوشه‌های ورارود هرجا تاجیکی باشد می‌خواندند و می‌سرودند، در نظر مردم به درجه استاد ملت رسیده بودند» (نک به: شکوری بخارایی، جستارها: درباره زبان، ادب و فرهنگ تاجیکستان، ص ۱۹۹). همچنین شاعر نامور ایرانی ژاله اصفهانی که خود در تاجیکستان بسیار سرشناس است در مورد لاهوتی اینچنین می‌نویسد: «در میان شاعران فارسی‌زبان معاصر کم هستند کسانی که مانند ابوالقاسم لاهوتی در دو کشور ایران و تاجیکستان تا این درجه شهرت و محبوبیت به دست آورده باشند. لاهوتی در سراسر تاجیکستان در دل هر خانه و در خانه دل هر مرد و زن جای دارد و جای گرم و شوق‌آوری!»

برخی از روشنفکران ایران آشکارا از لاهوتی در مقام یک واسط فرهنگی میان اتحاد شوروی، تاجیکستان و ایران سخن می‌کردند. برای مثال می‌توان به یکی از مقالات سعید نفیسی (۱۹۶۶-۱۳۸۶م). استاد علامه حسن‌نام ادبیات فارسی در یکی از شماره‌های پیام نو در سال ۱۹۴۶م. اشاره کرد که «لاهوری اهمیت اثرهای لاهوتی چنین نوشت:

با وجود آنکه سال‌ها از کشور خود ایران و زبان مادری خود زبان فارسی دور بوده است، هنوز تعبیرات و تلفیقات او کاملاً مطابق با روح زبان فارسی است و جز در موارد خاص انگشت‌شمار برای فهم مردم تاجیکستان برخی اصطلاحات خاص زبان تاجیک را به کار برده است در همه موارد دیگر انس با زبان فارسی را نگاه داشته است...

می‌دانیم سخنان وی در تاجیکستان و ازبکستان در میان تاجیک‌ها رواج کامل دارد و نمونه خوبی است که در تاجیکستان از اصول قطعی درست‌نویسی زبان نیاکان خود دور نشوند.

باید اشاره کرد که جدا از زندگی پر فراز و نشیب، تجربه نظامی و گرایش فکری و سیاسی ابوالقاسم لاهوتی، آنچه که در حیات فکری و فرهنگی او اهمیت دارد، نقش او در شناساندن هر چه بیشتر ایران و زبان فارسی در منطقه آسیای مرکزی و روسیه است که به نظر می‌رسد با وجود فراز و نشیب‌های فراوان سیاسی، این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که گرایش‌های مرامی و سیاسی او در برابرش رنگ می‌بازد و این نقش فرهنگی چنان درخشان و ماندگار است که امروز و در آینده لاهوتی را به آن می‌شناسند و به نظر می‌رسد که او وظیفه‌ای بزرگ را در قبال ایران، فرهنگ و تمدن سترگ ایرانی و زبان گران سنگ پارسی انجام داده است.

از سوی دیگر پیوند و دوستی استاد لاهوتی با استاد صدرالدین عینی یکی از مهم‌ترین رخدادهای تحریک‌بخش در سده بیستم میلادی برای مردمان ورارود و تاجیکستان است. صدرالدین عینی فرزند سید مراد خواجه و زیورآی در سال ۱۸۷۸م. و یا به قولی دیگر ۱۸۷۵م. در دهستانی ساکتری در اطراف بخارا به دنیا آمد و در ۱۵ ژوئیه سال ۱۹۵۴م. در شهر دوشنبه، حدوداً از جهان فرویست.

صدرالدین عینی یکی از بزرگ‌ترین شاعران، نویسندگان، منتقدان، تاریخ‌نویسان و زبان‌شناسان تاجیک است و آثاری در هر یک از این زمینه‌ها پدید آورده که بیشتر آنها نقشی ارزنده در تحولات فرهنگی و ادبی ورارود سده بیستم داشته است. وی بنیان‌گذار و پیشگام ادبیات معاصر فارسی تاجیکی بوده است و در تاجیکستان عنوان والای «قهرمان تاجیکستان» را بدو داده‌اند و او را «استاد» و «پدر ملت» خطاب می‌کنند. وی به همراه ابوالقاسم لاهوتی برای حفظ و گسترش زبان و ادبیات فارسی و در راه خودشناسی تاریخی و معنوی و احیای خودآگاهی و هویت ملی تاجیکان ورارود پس از استیلای روس‌ها در منطقه کوشش‌ها کرد.

صدرالدین عینی از این نظر که برای ایجاد دولت و کشوری برای تاجیکان به نام تاجیکستان مبارزه نموده است، حق بسیار بزرگی بر گردن تاجیکان دارد. چنان‌که نگارش کتاب نمونه ادبیات تاجیک با سرسخن و حروف چینی ابوالقاسم لاهوتی در مسکو نیز از جمله فعالیت‌های بسیار مهم و سرنوشت‌ساز عینی در مسیر زنده کردن حق‌های از دست رفته تاجیکان بوده است.

کتابی که پیش رو دارید نامه‌های دو چهره برجسته ایرانی و تاجیک ابوالقاسم لاهوتی و صدرالدین عینی است که برای نخستین بار در ایران چاپ می‌شود. اصل این نامه‌ها در بایگانی انستیتوی زبان و ادبیات رودکی آکادمی ملی علوم جمهوری تاجیکستان و خانه‌موزه صدرالدین عینی در شهر دوشنبه نگهداری می‌شود. این نامه‌ها دارای ارزش ادبی، تاریخی، جغرافیایی و سیاسی فراوانی است و نخستین بار در تاجیکستان با کوشش روان‌شاد دکتر خورشیده آتاخان‌اوا استاد برجسته انستیتو زبان و ادبیات به نام رودکی آکادمی ملی علوم جمهوری تاجیکستان در سال ۱۹۷۸م. با مقدمه روان‌شاد پروفسور محمد عاصمی با حروف سیریلیک چاپ شد. مشخصات کتاب‌شناسی نامه‌های لاهوتی و عینی که در تاجیکستان به چاپ رسیده است به شرح زیر است:

خورشیده آتاخان‌اوا، مکاتبه صدرالدین عینی و ابوالقاسم لاهوتی، دوشنبه: دانش، ۱۹۷۸.

خورشیده آتاخان‌اوا، مکاتبه صدرالدین عینی و ابوالقاسم لاهوتی، دوشنبه: دیوشنیج، ۲۰۲۰.

خورشیده آتاخان‌اوا، مکاتبه صدرالدین عینی و ابوالقاسم لاهوتی، دوشنبه: دانش، ۲۰۲۲.

خورشیده آتاخان‌اوا، ابوالقاسم لاهوتی، نامه‌ها و دوشنبه: ادیب، ۲۰۰۴.

ابوالقاسم لاهوتی، کلیات، به کوشش خورشیده آتاخان‌اوا و شاه‌زمان رحمان‌اف، دوشنبه: ادیب، ۲۰۱۷، ج ۷.

صدرالدین عینی، مکتوب‌ها، به کوشش انظورت ملک‌زاد و گل‌بهار عثمان‌اوا، دوشنبه: محراج‌گراف، ۲۰۲۳.

با توجه به اینکه نامه‌های لاهوتی و عینی از متن‌های ادبی و تاریخی بسیار مهم زبان فارسی است و مورد مراجعه بسیاری از پژوهشگران ایران و تاجیکستان و دبستان زبان فارسی قرار خواهد گرفت، بایسته است که با دقت نظر تمام و به شکلی پالوده چاپ شود و در دسترس علاقه‌مندان این دو ادیب بزرگ قرار گیرد. در چاپ‌های قبلی این نامه‌ها در تاجیکستان به دلیل برخی ملاحظه‌ها و بایسته‌های زمانه، بخشی از نامه‌ها حذف شده و یا بخشی از دستخط‌های فارسی

لاهووتی و عینی به درستی خوانده نشده و به اشتباه واژه‌ای دیگر جایگزین شده است. با توجه به دسترسی اینجانب به اصل نامه‌های لاهوتی و عینی و خوانش تقریباً دقیق دستخط‌های فارسی این دو شخصیت، کوشیده‌ام ضمن حفظ اصالت متن نامه‌ها، غلط‌های موجود در نسخه‌های تاجیکی را یافته و در چاپ فارسی در حد امکان از نادرستی‌ها بکاهم.

کتاب نامه‌های لاهوتی و عینی که اینک برای نخستین بار به الفبای فارسی چاپ می‌شود، تنها یک تصحیح و یا ویراستاری صرف نیست، بر روی سطر به سطر و واژه به واژه آن پژوهش شده است؛ درباره شیوه خوانش و حرکت‌گذاری و نشانه‌گذاری و حتی شیوه نگارش واژگان اندیشه شده است و روشن‌سازی درباره شکل واژه یا عبارت یا نام کسان و جای‌ها در پاورقی نامه‌ها آورده‌ام.

متن پیش رو را از حروف چینی، بر اساس شیوه نگارش جدید فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بازبینی و ویرایش کرده و در حفظ امانت محتوای نامه‌ها به دلیل اهمیت والای تاریخی و ادبی این آثار کوشا بوده‌ام. می‌توان ادعا کرد این کتاب با وجود برخی کاستی‌ها، بهترین و صحیح‌ترین متن به شمار می‌آید. همچنین کتابی است که شرح و توضیح فراوان برای مخاطبان گوناگون دارد و برای پژوهشگرانی که در زمینه عینی‌شناسی و لاهوتی‌شناسی کار می‌کنند و چه آنانی که درباره ادبیات فارسی به ویژه ادبیات معاصر تاجیکستان و ورارود پژوهش می‌کنند و همچنین زبان‌شناسان و فرهنگ‌نویسان کتابی مفید و قابل استفاده خواهد بود. سبک صدرالدین عینی در نامه‌نویسی و شیوه نگارش وی با ویژگی‌های ورارودی‌اش را می‌توان در کتاب حاضر به روشنی دید و چه در کار پژوهشی و چه در مطالعه جنبی و شخصی از آن بهره فراوان برد.

در سرتاسر متن اصلی به ضبط‌هایی از خوانش پاره‌ای واژگان، مانند ماه‌های میلادی، همانند: نویر، نویابر و نویه‌بر، ستابر، ستبر، سیتبر، اوکته‌بر، اوکته‌بر، اوکتیابر یا مسکو، مسکوه، ماسکو و ماسکوا بر می‌خوریم که به همان شکلی که نویسنده نوشته است، در متن حفظ شده و خوانش امروزی و رایج در میان فارسی‌زبانان ایران در پاورقی آمده است.

عده‌هایی که در متن اصلی به صورت لاتین نوشته شده، به صورت فارسی درج

شده است.

در پاورقی نامه‌ها، دربارهٔ پاره‌ای از افرادی که نام‌شان آمده، توضیحاتی نیز داده شده است، ولی چنانچه نام افراد تکرار شده باشد، این توضیحات را به اولین باری که نام آن فرد برده شده منتقل شده است.

همهٔ کوششم این بوده است که با کمک نشانه‌های سجاوندی و حرکت‌گذاری خواندن متن را برای خواننده به ویژه هم‌زبانان تاجیکانی که می‌خواهند این نامه‌ها را با الفبای نیاکان بخوانند، آسان نمایم. تا آنجایی که توانسته‌ام و ذهن و ضمیر یاری کرده، سعی کرده‌ام دشواری‌های متن نامه‌ها را در پاورقی‌ها توضیح دهم. برای یافتن اطلاعات در زمینهٔ برطرف نمودن غلط‌های متنی و محتوایی و شرح و توضیحات لازم، علاوه بر بررسی کتابخانه‌ای و کندوکاو در سرچشمه‌هایی از قبیل دانشنامه‌ها، کتاب‌های تاریخی و ادبی، تارنماها، مقاله‌ها و غیره از تعدادی از استادان، متخصصان و آگاهان در تاجیکستان پرس‌وجو کرده‌ام. شایان ذکر است که بسیاری از این سرچشمه‌ها در ایران قابل دسترس نبودند و از همین رو برخی از منبع‌های پژوهش را از کتابخانه‌های ایران، خجند و خانه‌موزهٔ عینی و بایگانی و کتابخانهٔ برخی اشخاص در تاجیکستان به دست آورده و استفاده کرده‌ام.

این اثر که اینک بدین شکل چاپ می‌شود، از فهرست مطالب، به ترتیب مشتمل بر یادداشت دبیر مجموعه، مقدمهٔ نگارندهٔ این مجموعه، یادداشت سیسیلیا بانو لاهوتی و دیباچهٔ استادان برجستهٔ تاجیکستانی و ایرانی عبدالخالق نبوی، عبدالنبی ستارزاده، رستم وهاب و مسعود عرفانیان، متن نامه‌ها، یادداشت‌ها، گاه‌شمار زندگی ابوالقاسم لاهوتی و صدرالدین عینی، شرح واژگان دشوار، کتابنامه، گلچینی از عکس‌هایی از زندگی لاهوتی و عینی که برخی از آنها برای اولین بار چاپ می‌شود و نمایه‌ای از نام شخصیت‌ها، جای‌ها، کتاب‌ها، نشریه‌ها و غیره است.

در طول آماده‌سازی این کتاب، افراد زیادی مرا یاری داده و دستگیری نموده و راهنمایی کرده‌اند و پاسخگوی پرسش‌هایم بوده‌اند؛ بر خود لازم می‌دانم از همهٔ این استادان، دوستان و عزیزان کمال تشکر و قدردانی را بنمایم. از آقای ایرج عینی، نوهٔ صدرالدین عینی و مدیر خانه‌موزهٔ عینی که همواره با روی باز پذیرای من بودند و دستگیری می‌کردند، کمال تشکر و قدردانی را دارم. از سرکار خانم دکتر انظورت

ملک‌زاد و آقای شاه‌منصور شاه‌میرزا که زحمت کشیده و متن کتاب را قبل از چاپ مطالعه نمودند بسیار سپاسگزارم. از آقای فلیکس لاهوتی (فرزند گیو لاهوتی) و خانم لادن عباسپور (نوه دختری مهندس الهامی برادر ابوالقاسم لاهوتی) که در حق بنده دوستی و محبت فراوان داشتند و از دوستان مهربانم آقای نعمت‌الله اکبر و سرکار خانم مهرانگیز سعدی که در یافتن بسیاری از واژگان و اصطلاحات فارسی تاجیکی مرا یاری دادند و پاسخگوی پرسش‌هایم بودند سپاسگزاری می‌کنم. همچنین از آقایان زائور داخته، عادل ناظر، شهرام نامدار، شهراد شهوند، محمدرضا سورتچی، فیروز نبوی و سعیدجان بزرگ‌زاده که در حق بنده دوستی و محبت فراوان داشتند، سپاسگزاری می‌نمایم.

از مهربان دوستم آقای آرش ایرانپور که همواره با گشاده‌رویی پذیرای من بوده و با راهنمایی‌ها و تشریحات خود، سنت پسندیده چاپ اثرهایی از تاریخ و ادبیات هم‌زبانان تاجیک را پشتیبانی کرده و خود عمری در این راه قلم زده و جان خویش سوده نیز قدر دانم.

زنده باد پیوندهای ناگستنی ایران و تاجیکستان!

محسن فرح‌بر

تهران

بهمن ۱۴۰۲ خورشیدی